

دآن سه روز در يك چرخ آن سه روز در يك چرخ است بود اگر در وقت خواب داری  
در وقت بختي شيخ الاسلام گفت که آن رویت عین عبودیت و خستها بکره پیش  
آنکه خلق و خلقی در حکم و خاستن وی اسیر ناظرین دارم چست عاقبت آنکه که  
خود خواهد و وی دست حکم و دران عادت کن با چون و چایا بد و نرسد که و حکم  
بر علم و حکمت می کند و کبره تا سزای هر کس چست و عیانت بکست ابو الاسود **مکی**  
**رحم الله تعالی** بزبان عربی رفت سلام کرده گفت ایها الشيخ مز دست نوا اول  
عربی می چست و گفت علیه السلام چون و در حال از خود غایب است همان حال بود  
تاسه بار بدانت که عربی از دست آب و خاک و رسوه نسانت بیرون شده است  
دیناروی عیبت گرفت و آنکه **ابو الاسود دای رحمة الله تعالی** بزبان شایع  
بوده و بی در بار به اهل خود ناکت بدو دیش که من رفتم خاهر مطهر او را شیر  
بر کرد و بوی داد و وی برفت چون بطهارت شکرانه با کنت و گفت ای کلام  
کطهارت کنم بر آب واجب است از شیر مطهر و از شیر و از آب بر و برت هر که  
طهارت کردی آب فرود آمدی و چون تشنه و کرسنه شدی شیر چوری **ابو یوسف**  
**هاشیجه الله تعالی** این طایفه بوده و می گفته هر که فراموش شود که روز عید  
باز و النون می آمد مرده مان از عید تا رکشته بود نشادی کسان ذوالنون گفت  
این مزمان نشادی می کنند که امامت خود بکنا زده اند خود بداند که از ایشان  
نذر نه اند یا نه بعد طاعت رمضان پیا تا بیک سوی با ن شوم و مرشاد

دیناروی عیبت گرفت و آنکه ابو الاسود دای رحمة الله تعالی بزبان شایع بوده و بی در بار به اهل خود ناکت بدو دیش که من رفتم خاهر مطهر او را شیر بر کرد و بوی داد و وی برفت چون بطهارت شکرانه با کنت و گفت ای کلام کطهارت کنم بر آب واجب است از شیر مطهر و از شیر و از آب بر و برت هر که طهارت کردی آب فرود آمدی و چون تشنه و کرسنه شدی شیر چوری ابو یوسف هاشیجه الله تعالی این طایفه بوده و می گفته هر که فراموش شود که روز عید باز و النون می آمد مرده مان از عید تا رکشته بود نشادی کسان ذوالنون گفت این مزمان نشادی می کنند که امامت خود بکنا زده اند خود بداند که از ایشان نذر نه اند یا نه بعد طاعت رمضان پیا تا بیک سوی با ن شوم و مرشاد

دیناروی عیبت گرفت و آنکه ابو الاسود دای رحمة الله تعالی بزبان شایع بوده و بی در بار به اهل خود ناکت بدو دیش که من رفتم خاهر مطهر او را شیر بر کرد و بوی داد و وی برفت چون بطهارت شکرانه با کنت و گفت ای کلام کطهارت کنم بر آب واجب است از شیر مطهر و از شیر و از آب بر و برت هر که طهارت کردی آب فرود آمدی و چون تشنه و کرسنه شدی شیر چوری ابو یوسف هاشیجه الله تعالی این طایفه بوده و می گفته هر که فراموش شود که روز عید باز و النون می آمد مرده مان از عید تا رکشته بود نشادی کسان ذوالنون گفت این مزمان نشادی می کنند که امامت خود بکنا زده اند خود بداند که از ایشان نذر نه اند یا نه بعد طاعت رمضان پیا تا بیک سوی با ن شوم و مرشاد

دیناروی عیبت گرفت و آنکه ابو الاسود دای رحمة الله تعالی بزبان شایع بوده و بی در بار به اهل خود ناکت بدو دیش که من رفتم خاهر مطهر او را شیر بر کرد و بوی داد و وی برفت چون بطهارت شکرانه با کنت و گفت ای کلام کطهارت کنم بر آب واجب است از شیر مطهر و از شیر و از آب بر و برت هر که طهارت کردی آب فرود آمدی و چون تشنه و کرسنه شدی شیر چوری ابو یوسف هاشیجه الله تعالی این طایفه بوده و می گفته هر که فراموش شود که روز عید باز و النون می آمد مرده مان از عید تا رکشته بود نشادی کسان ذوالنون گفت این مزمان نشادی می کنند که امامت خود بکنا زده اند خود بداند که از ایشان نذر نه اند یا نه بعد طاعت رمضان پیا تا بیک سوی با ن شوم و مرشاد

شيخ الاسلام گفت ایها حکایت همان حکایت جوهر و جوهریست آنکه قیمت ندانستی  
بشفتی و آنکه دانشیان سفتان ترسان بودی و عید با نکر دزد و بجای خود نرد اهل  
آن عاقل بودند تا آنکه نه اهل آن بودند پیدا بود ندان و عید در ایشان آویخت شيخ  
الاسلام گفت که سباع موصی گفت که داود گفت علیه السلام خداوند مرا آفتی کردست  
و روی بشوی خدیت لا کون اجبت بخلاف دل را چه چیز بشود صحبت را گفت همی  
والاخران بشمار و نذوه شيخ الاسلام گفت که در بظرف این حایه نیست **ولین**  
**عبدالله السفاجه** که کینت وی ابواختراست از اصحاب ذوالنون بود وی گوید که  
ذوالنون گفت که در زبانه زکی دیدم بسياه هر که الله گفتی سفید شدی ذوالنون  
گوید هر که الله یاد کند در حقیقت صفت وی جدا کرد داو عبد الله را می گفت پیش  
ولید سفار فتم و بخیر است که در نظر از سوال کنم سر بر آید و گفت اسم فخر شما  
مسلم است که هر که جرحی در خاطر او نیامد است و تقیامت آن عهدا این سخن برون  
می توایم آمد نوقی ولید الشفاء سسه عشرین و ثلثمائة **فضیل بن عیاض رحمه**  
**الله تعالی** از طایفه اهل است کینت وی ابو علی است باصل او کوفه است و گفته اند  
باصل از خاسان بود از ناحیت مرز و گفته اند که وی بسهم زاده و باورد  
بزرگ شده و کوفی الاصل است و بر گفته اند که بخاری الاصل است والله تعالی اعلم  
و مات وی در محرم سنه سبع و ثمان مائه و مائه بوده فضیل عیاض گوید قدس الله  
تعالی روحه که من حق را سخاوه و تعالی سردوستی برستم که نطقیم بحسب الورق

دیناروی عیبت گرفت و آنکه ابو الاسود دای رحمة الله تعالی بزبان شایع بوده و بی در بار به اهل خود ناکت بدو دیش که من رفتم خاهر مطهر او را شیر بر کرد و بوی داد و وی برفت چون بطهارت شکرانه با کنت و گفت ای کلام کطهارت کنم بر آب واجب است از شیر مطهر و از شیر و از آب بر و برت هر که طهارت کردی آب فرود آمدی و چون تشنه و کرسنه شدی شیر چوری ابو یوسف هاشیجه الله تعالی این طایفه بوده و می گفته هر که فراموش شود که روز عید باز و النون می آمد مرده مان از عید تا رکشته بود نشادی کسان ذوالنون گفت این مزمان نشادی می کنند که امامت خود بکنا زده اند خود بداند که از ایشان نذر نه اند یا نه بعد طاعت رمضان پیا تا بیک سوی با ن شوم و مرشاد

دیناروی عیبت گرفت و آنکه ابو الاسود دای رحمة الله تعالی بزبان شایع بوده و بی در بار به اهل خود ناکت بدو دیش که من رفتم خاهر مطهر او را شیر بر کرد و بوی داد و وی برفت چون بطهارت شکرانه با کنت و گفت ای کلام کطهارت کنم بر آب واجب است از شیر مطهر و از شیر و از آب بر و برت هر که طهارت کردی آب فرود آمدی و چون تشنه و کرسنه شدی شیر چوری ابو یوسف هاشیجه الله تعالی این طایفه بوده و می گفته هر که فراموش شود که روز عید باز و النون می آمد مرده مان از عید تا رکشته بود نشادی کسان ذوالنون گفت این مزمان نشادی می کنند که امامت خود بکنا زده اند خود بداند که از ایشان نذر نه اند یا نه بعد طاعت رمضان پیا تا بیک سوی با ن شوم و مرشاد